خداشناسی: خداوند بر همه چیز تواناست: آیا خوبیها و بدیها همه از جانب خداست

مکارم شیرازی، ناصر

\*«علم»وطن ندارد

\*آیا ایرانی مذهب ایرانی میخواهد؟

\*خالق خیر و خالق شر

\*\*\* در عین اینکه معروف است«علم»وطن ندارد،یعنی از هرکجا برخیزد و بهرکجابرود وطن اوست و در همه‏جا یکسان احترام دارد و از نظر یک دانشمند واقعی اکتشافات واقعی علمی از هر کشوری‏ که باشد«آشنا»است و بیگانه و اجنبی ندارد،باز بعضی از«عالم‏نماها»سعی دارند برای علم‏ وطن قائل شوند،و عملا روی کشفیات علمی هموطنان خود تعصب خاصی نشان میدهند و در برابر آثار علمی دیگران قیافهء منفی بخود میگیرند.

مخصوصا در نوشته‏های«کمونیستها»گاهی اینگونه حرفها دیده میشود که باصطلاح در برابر نظرات دانشمندان بورژوازی(سرمایه‏داری)یکنوع قیافه منفی نشان داده و با سردی آنها را تلقی میکنند.مثلا در یکی از نوشته‏های«ارانی»و همکاران او در مجله دنیا بحثی درباره‏ نظریه نسبی«آینشتاین»وجود داشت که بصورت رساله مستقلی چاپ شده بود.

خاطرم هست نویسنده یا نویسندگان رساله مزبور اظهار عقیده کرده بودند که نظریه‏ نسبی«آینشتاین»آنقدرهم که دانشمندان«بورژوازی»برای آن اهمیت قائلند واجد اهمیت نیست! که خواسته‏های کاذب خود را اجابت کرده و از هر راه و وسیله برای ارضاء تمایلات سعی و تلاش نموده‏اند.

امام جعفر صادق(ع)فرماید که افراط و زیاده‏روی در هر کاری موجب عصیان‏ الهی میباشد:اول ما عصی الله عز و جل ست حب الدنیا و حب الریاسة و حب طعام‏ و حب النوم و حب الراحة و حب النساء علاقه بزندگی دنیوی از از مسائل ضروری عقل است ولی‏ همین تمایل وقتی بیش از مقدار اعتدال شده باشد زیان‏آور خواهد بود و بدون تردید منظور امام(ع)در این روایت بیان تمایلات افراطی انسان میباشد.

البته اینگونه تعصبها خیلی جاهلانه است و جز عقب‏ماندگی و دوری از حقیقت اثری ندارد. \*\*\*

اسلام مال عربها است!

از آن بدتر اینکه کسی برای«مذهب»وطن قائل شود و مثلا بگوید(همچنانکه بعضی از کوته‏فکرها میگویند):ایرانی مذهب ایرانی میخواهد!و چون«اسلام»از میان عربها ظهور کرده بدرد همان عربها میخورد.پیغمبر اسلام عرب بود،قرآن هم عربی است،کعبه قبله‏ مسلمین هم در کشورهای عربی میباشد و برای ما که ایرانی هستیم بدرد نمیخورد!.

برای ما همان بهتر که از یک مذهب ایرانی پیروی کنیم؛همان«یزدان»و همان«اهرمن» را از قبرستان فراموشی بیرون کشیده و ویرانه‏های«آتشکده»ها را مرمت کرده دست بدامن‏ «امشاسپندان»بزنیم!...

آخر ما ایرانی هستیم و حس«ناسیونالیسم»ما قوی است و در دنیا بوطن دوستی مشهوریم! بدبختانه اخیرا این طرز فکر غلط حتی در میان بعضی از تحصیل کرده‏ها ظاهر شده و شاید تعصب مخصوصی که بعضی از رجال فرهنگ ما روی مسأله ترک تدریس زبان عربی در مدارس‏ بخرج میدهند از آثار همین بیماری نژادی و وطنی«المسمی»به«ناسیونالیسم»باشد!

کتابهای گوناگونی که برای زنده کردن آئین فراموش شده زرتشت این روزها مینویسند و اصراری که برای پاک کردن لکه«دوگانه پرستی»که از مهمترین نقطه‏های ضعف آن آئین محسوب‏ میشود نشان میدهند نمونه دیگری از این طرز تفکر است.

این گفتارها باین میماند که ما بگوئیم در بیماریهای عفونی حاضر باستفاده از«پنی سیلین» نیستیم زیرا کاشف آن دکتر«فلمینگ»یکنفر اسکاتلندی بوده است؛ایرانی دوای ایرانی‏ میخواهد!.همانطور که میگویند ایرانی مذهب ایرانی میخواهد.

در حالی که بدیهی است«مذهب»هم مانند«علم»وطن ندارد.همه بندگان خدا در پیشگاه‏ او یکسانند و همه کشورها و زمینها برابر،فرستادگان او هم بهمه بندگان او یکسان نگاه می- کردند.اساسا در جهان خلقت یک کشور بیش نیست،و این بازیها را ما بندگان تنگ‏نظر درآورده‏ایم که برای هر چهار وجب زمین خدا نامی درست کرده و با سیمهای خارداردار برای آنها مرز ساخته‏ایم و در و دروازه و قفل و بند درست کرده‏ایم.

قرآن مجید صریحا این طرز تفکرها را از آثار دوران جاهلیت میشمرد و میگوید؛

«و لو نزلناه علی بعض الا عجمیین فقرأه علیهم ما کانوا به مؤمنین»:

اگر قرآنرا بر پیغمبری از غیرنژاد عرب فرستاده بودیم و بر آنها میخواند هرگز بآن ایمان نمیآوردند!،بنابراین‏ طرز فکر مزبور ارتجاع و بازگشت بدوران جاهلیت است.

اینهم تعجب ندارد که کسی در یک قسمت تحصیل کرده باشد و فکرش در یک سطح عالی،اما در قسمت دیگر همان افکار قرون وسطائی و پندارهای جاهلانه دوران جاهلیت را دارا باشد.

این یک بحث دامنه‏دار و قابل‏توجه است که ما فعلا نمیخواهیم وارد آن بشویم فقط منظور ما این بود که اگر در بحثی که در پیش داریم مطالبی درباره شرک و دوگانه‏پرستی در ایران قدیم‏ پیش آید روح زودرنج ناسیونالیست‏های دو آتشه ما آزرده نگردد و معذور دارند ما را!

خالق خیر و خالق شر

یکی از اشکالات قدیمی در باب«عمومیت قدرت خدا»موضوع آفرینش«شرور و بدیها و زشتیها و آفات»است که ریشهء آنرا از زرتشتیان قدیم ایران میدانند.

خلاصه این ایراد چنین است:

حوادث و موجودات جهان با یک نظر اجمالی بدو نوع متمایز تقسیم میشوند:خیر و شر،یا خوبیها و بدیها؛نور آفتاب و باران و بادها و نسیمهای بموقع و نمو و رشد گیاهان و حیوانات‏ و نباتات مفید؛و امنیت و سلامت و مانند اینها همه خیر و خوبند؛اما ظلمت و زلزله‏ها و طوفانهای‏ سهمگین و سیلهای ویران کننده و نواقص خلقت مانند محرومیت از بینائی و شنوائی و انواع‏ بیماریها و آفات گیاهی و حیوانی؛و جاندارانی مانند درندگان و گزندگان و سایر جانوران‏ موذی همه«شر»و بدند.

وجود این دو دسته از حوادث و موجودات در جهان هستی قابل انکار نیست(این یک مطلب) از طرفی میدانیم که میان علت و معلول،یا فاعل و فعل باید یکنوع سنخیت و تناسب بوده‏ باشد،هر علتی یکنوع معلول خاص بوجود میآورد و هر معلولی از یک علت معین سرچشمه میگیرد همانطور که جای پای هرکس روی زمین نرم و هموار شبیه پای اوست تمام کارهای ما و سایر انسانها تناسب با وضع ساختمان جسمی و روحی ما دارد و این قاعده در هر کاری که از هر فاعلی سر میزند جاری است.

از ضمیمه کردن این دو مطلب بیکدیگر چنین نتیجه میگیریم که:مبدء شر و بدیها باید«بد» و سرچشمه خیرات و خوبیها باید«خوب»باشد،بنابراین نمیتوان گفت آفریننده خیر همان‏ آفریننده شر است بلکه آفریدگار این دو باهم فرق دارد.

یعنی خالق خوبیها قدرت ندارد چیز بد بیافریند؛و خالق بدیها نمیتواند چیز خوب بیافریند ازهمینجا عقیده«ثنویت»و دوگانه‏پرستی و اعتقاد بوجود«یزدان»و«اهرمن»و مبدء نور و ظلمت که در ایران قدیم بود بوجود میآید.

این ایراد همانطور که قدرت نامحدود خدا را محدود میسازد و قسمتی از موجودات و حوادث جهانرا از محیط قدرت او بیرون میکند اصل توحید را نیز بهم میزند و دو مبدء مختلف‏ برای جهان هستی اثبات میکند،این همان شرک است که تمام پیامبران خدا با آن مبارزه نموده‏اند

از بیانات مشروحی که در پاسخ ایراد مادیها در موضوع«آفات و بلاها»در چندین‏ شماره از سال سوم این مجله گفتیم پاسخ این ایراد روشن میشود و اساسا در سرتاسر جهان هستی‏ حادثه‏ای که صد درصد بد باشد یا بدی او از خوبی او بیشتر باشد نداریم و این حوادثی که ما بد مینامیم همه جنبهء نسبی دارد،ولی لازم است شرح بیشتری در این‏باره بدهیم.

شرح این مطلب را در شماره آینده بخوانید.

از آثار تمدن جدید!

\*سی درصد اطفال آمریکائی الکلی و 47 درصد آنان معتاد تریاک یا هروئین هستند.

بقول یک روزنامهء خارجی،آمریکا از لحاظ ساختن آسمان- خراش‏های معظم و خیره کننده بسیار پیش رفته است ولی در تعلیم‏ و تربیت،اگر بعمنای واقعی آن توجه کنیم،حتی از دولت حبشه‏ نیز عقب‏تر است!.

(نقل از مجلهء امید ایران شماره 44)

\*آمار جنایات نورسان و جوانان در آمریکا و انگلستان‏ مخصوصا در سالهای اخیر بعد از جنگ بقدری بالا رفته که اسباب وحشت‏ مقامات مربوطه را فراهم ساخته است!(اطلاعات 4 ر 9 ر 38)